

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اهل فترت کی ها اند؟

(ترجمه)

پرسش

السلام علیکم ورحمة الله و برکاته!

شیخ و امیر بزرگوار ما در حفظ الله باشید و الله سبحانه و تعالی شما را در زمین تمکین نصیب فرماید. برایم واضح است که اهل فترت از عذاب الله سبحانه و تعالی در روز قیامت نجات می یابند و اهل فترت کسانی اند که برای شان رسولی اعزام نشده باشد؛ چنانچه الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا﴾ [اسراء: ۱۵]

ترجمه: و ما (هیچ شخص و قومی را) مجازات نخواهیم کرد؛ مگر این که رسولی (برای آنان مبعوث و) روان سازیم.

ولی برخی احادیث یافت می گردد که عرب جاهلیت قبل از بعثت حضرت محمد صلی الله علیه و سلم را کافر خطاب کرده و در زمره ی دوزخی ها شمرده است؛ از جمله در صحیح مسلم آمده است:

«أن رجلا سأل الرسول صلى الله عليه وسلم: أين أبي؟ فقال: أبوك في النار، فحزن الرجل، فقال له صلى الله

عليه وسلم: أبي وأبوك في النار»

ترجمه: شخصی از رسول الله صلی الله علیه و سلم سوال نمود که یا رسول الله (جایگاه) پدرم (در آخرت) کجا است؟ رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود در دوزخ؛ مرد خسته شد رسول الله صلی الله علیه و سلم برایش گفت: پدر من و پدر تو در دوزخ اند.

برعلاہ چنین دلایلی دیگر هم وجود داد، پس پرسش این است که بین دو امر چگونه توافق ایجاد شود. جزاکم الله خیر!

پاسخ

وعلیکم السلام ورحمة الله وبرکاته!

1. پرسش شما از کتاب "شخصیة اسلامی" جلد سوم است که زیر عنوان "قبل از ورود شریعت حکمی وجود ندارد" چنین آمده است:

«جائز نیست تا بر اشیاء و افعال حکم شرعی داده شود؛ مگر این که دلیل شرعی بر آن فرود آمده باشد. پس قبل از ورود دلیل شرعی بالای افعال و اقوال از دیدگاه حکم قضاوت نمی گردد که این حکم شریعت است، بدلیل این قول الله سبحانه و تعالی: ﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا﴾ و این فرموده او سبحانه و تعالی: ﴿لَيْتَ لَوْ كُنَّا لِلنَّاسِ عَلَى اللّٰهِ حُجَّةً بَعْدَ الرُّسُلِ﴾؛ چون واضح است که حکم بر اشیاء و افعال از دو طریق می آید: اول شریعت دوم عقل؛ اما دلیل عقلی در این جا جایگاهی ندارد؛ چون این جا حکم از ناحیه واجب و تحریم است و عقل توان واجب ساختن و حرام ساختن را ندارد

و این مسئله بر آن (عقل) مربوط نیست؛ بلکه مربوط به شریعت است، پس حکم تنها بر شریعت استوار است. معنی کلام چنین است که حکم شریعت قبل از بعثت کاملاً از مردم نفی می‌گردد و اهل فترت از عذاب الهی در نجات هستند. اهل فترت کسانی اند در وسط از بین رفتن رسالتی و بعثت رسالتی دیگر زیست دارند. حکم در مورد آن‌ها همان حکمی است که هیچ پیامبری به آن‌ها نرسیده باشد؛ مانند: کسانی که قبل از بعثت رسول الله صلی الله علیه وسلم زیست، داشتند شامل این گونه حکم می‌گردند.» پایان نقل قول

ازین رو مردمانی که در وسط بعثت رسول الله صلی الله علیه وسلم و در وسط بعثت پیامبران گذشته زندگی داشته اند از اهل فترت بشمار می‌روند؛ چون رسولی به آن‌ها فرستاده نشده است، این چنین واقعیت بر کسانی است که از جمله مشرکین آن زمان باشند و هیچ پیامبری را پیروی نکرده باشند. اما اهل کتاب آن زمان پیرو رسولی بوده‌اند و پیام الهی برای‌شان رسیده است و بعدها رسالت را تحریف کرده‌اند، ازین رو آن‌ها پیرو یک رسول محسوب می‌گردند و از اهل فترت بشمار نمی‌آیند؛ چون اهل فترت کسانی اند که اصلاً به آن‌ها رسالت نرسیده باشد. بناءً اهل کتاب و هم‌چنین کفار غرب از جمله اهل فترت بشمار نمی‌آیند؛ چون اسلام به آن‌ها رسیده است. پس کفار که در میان مسلمان‌ها زندگی می‌کنند، چگونه از اهل فترت باشند؟ بناءً اهل فترت کسانی اند که اصلاً به آن‌ها دعوت نرسیده باشد.

2- اما احادیثی که دلالت به این دارند که عرب‌های زمان جاهلیت که قبل از بعثت رسول الله صلی الله علیه وسلم مرده اند همه دوزخی اند، و این احادیث با آیت مذکور در مورد اهل فترت در تناقض قرار دارند؛ این احادیث نظر به اصول بررسی می‌گردند؛ هرگاه رفع تعارض و جمع ممکن باشد، خوب و اگر ممکن نباشد قول راجح اخذ می‌شود و حدیث مذکور رد می‌شود که از جمله احادیث مذکور چنین تحلیل می‌گردد:

الف) مسلم در صحیح خود از ابوبکر بن ابی‌شیبه که او از عفان و عفان از حماد بن سلمه و او از ثابت و ثابت از انس رضی الله عنه روایت نموده است که:

«أَنَّ رَجُلًا قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيْنَ أَبِي؟ قَالَ: فِي النَّارِ. فَلَمَّا قَفَى دَعَاَهُ فَقَالَ: إِنَّ أَبِي وَأَبَاكَ فِي النَّارِ» (مسلم)

ترجمه: مردی گفت: یا رسول الله (جایگاه) پدرم (در آخرت) کجا است؟ فرمود در دوزخ؛ زمانی که به عقب برگشت؛

رسول الله صلی الله علیه وسلم وی را دوباره خواست وگفت: پدر من و پدر تو در دوزخ اند.

ب) ابن ماجه در سنن خود از زهری و او از سالم و سالم از پدرش یعنی عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت کرده گفت:

«جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ أَبِي كَانَ يَصِلُ الرَّحِمَ وَكَانَ وَكَانَ فَأَيْنَ هُوَ؟

قَالَ: فِي النَّارِ. قَالَ: فَكَأَنَّهُ وَجَدَ مِنْ ذَلِكَ. فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَأَيْنَ أَبُوكَ؟ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

حَيْثُمَا مَرَرْتَ بِقَبْرِ مُشْرِكٍ فَبَشِّرْهُ بِالنَّارِ» (ابن ماجه)

ترجمه: اعرابی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده سوال کرد: پدرم صله رحم را مراعات و دیگر امور خیر را نیز

انجام می‌داد، پس (جایگاه) او در آخرت در کجا است؟ فرمود در دوزخ. راوی می‌گوید: آن مرد در دل خود خسته‌گی

احساس کرده گفت: یار رسول الله جایگاه پدر شما در کجا قرار دارد؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: هرکجای به قبری مشرکی گذشتی به جهنمی بودن بشارت اش ده.

بوصیری گفته: سند حدیث صحیح و رجال آن ثقه اند و در زوائد آمده که سند حدیث صحیح است و در حاشیه سندی بر سنن ابن ماجه جلد ۱، صفحه ۴۷۶ و ۴۷۷ آمده است: «سیوطی گفته است: حدیث مسلم «إِنَّ أَبِي وَأَبَاكَ فِي النَّارِ» این حدیث را حماد ابن مسلمه از ثابت روایت کرده و معمر به آن چنین مخالفت دارد: «إِذَا مَرَرْتَ بِقَبْرِ كَافِرٍ فَبَشِّرْهُ بِالنَّارِ» که در حدیث معمر از حالت پدر چیزی نگفته است؛ واضح است که معمر از حماد بیشتر با ثبات وثقه است؛ چون در مورد ضعف حماد سخنانی گفته شده است و برخی محدثین احادیث وی را منکر خوانده اند و بخاری از وی روایتی نکرده است و مسلم در روایت خویش از معمر جزء از طریق ثابت دیگر روایت نکرده است؛ اما در مورد حفظ معمر کسی چیزی نگفته و احادیث وی را نقد نکرده است و شیخین در روایت وی طوری اتفاق دارند که لفظ این حدیث را قوی تر می دانند، سپس این حدیث را یافتیم که از سعد بن ابی وقاص به همین لفظ معمر و معمر از ثابت و او از انس در کتاب بزار، طبرانی و بیهقی روایت شده است.»

و هم چنین حدیث ابن عمر در کتاب ابن ماجه آمده است که بر همین لفظ به نسبت دیگر الفاظ اعتماد شده و بر دیگر الفاظ مقدم دانسته می شود. پس این روایت مسلم از جمله روایاتی است که راوی حسب فهم خود روایت کرده است. با تائید این قول شافعی ها و اشعری ها بدین باورند که بدلیل این قول الله متعال: ﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ﴾ کسانی که دعوت اسلام به آن ها نرسیده است عذاب نمی شوند؛ بلکه وارد بهشت می گردند.

ج- طبرانی در معجم الکبیر از زهری او از عامر بن سعد از پدرش سعد بن ابی وقاص روایت کرده است:

«جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: إِنَّ أَبِي كَانَ يَصِلُ الرَّحِمَ، وَكَانَ وَكَانَ، فَأَيْنَ هُوَ؟ قَالَ: فِي النَّارِ، فَكَانَ الْأَعْرَابِيُّ وَجِدَ مِنْ ذَلِكَ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَأَيْنَ أَبُوكَ؟، قَالَ: حَيْثُ مَا مَرَرْتَ بِقَبْرِ كَافِرٍ فَبَشِّرْهُ بِالنَّارِ»

ترجمه: اعرابی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده سوال کرد: پدرم صله رحم را مراعات و دیگر امور خیر را نیز انجام می داد، پس (جایگاه) او در کجا است؟ فرمود در دوزخ. راوی می گوید: آن مرد در دل خود خسته گی احساس کرد گفت: یار رسول الله صلی الله علیه وسلم جایگاه پدر شما در کجا قرار دارد؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: هرجاییکه به قبری مشرکی گذشتی به دوزخ بشارت اش ده.

هیثمی رجال حدیث را رجال درست خوانده است.

3- با جمع آیت و حدیث امور ذیل واضح می گردد:

الف) آیت می رساند که اهل فترت نجات می آیند و عذاب نمی شوند، بناءً هر حدیث که با آیت تناقض نماید، مورد اعتماد قرار نمی گیرد.

ب) در ثانی هرگاه امکان رفع تعارض و جمع باشد از حدیث رفع تعارض می‌شود، چنانچه ذکر نمودیم سیوطی در حدیث مسلم که در حاشیه سندی بر سنن ابن ماجه روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم در جواب سائل نگفته که «إِنَّ أَبِي وَأَبَاكَ فِي النَّارِ» بلکه در جواب وی فرموده بود: «إِذَا مَرَرْتَ بِقَبْرِ كَافِرٍ فَبَشِّرْهُ بِالنَّارِ» بناءً در مورد حدیث طبرانی که از سعد ابن ابی وقاص رضی الله عنه و حدیث ابن ماجه که از ابن عمر رضی الله عنه روایت شده است ترجیح داده می‌شود.

4- فشرده این که اهل فترت از عذاب در امان بوده و قول راجح در جمع بین آیت و حدیث قولی است که از امام سیوطی روایت شده است، سیوطی در حاشیه سنن ابن ماجه نقل قول کرده این که از جمله محاسن جواب این است که زمانی رسول الله صلی الله علیه وسلم از اعرابی احساس خسته‌گی کرد دوباره وی را غم‌خواری کرد و جواب خویش را در مورد مشرکان بطور عام بیان کرده و در مورد پدر رسول الله صلی الله علیه وسلم به نفی و اثبات پاسخ داده نشد. هم‌چنین حدیث طبرانی «حَيْثُ مَا مَرَرْتَ بِقَبْرِ كَافِرٍ فَبَشِّرْهُ بِالنَّارِ» و حدیث ابن ماجه «حَيْثُ مَا مَرَرْتَ بِقَبْرِ مُشْرِكٍ فَبَشِّرْهُ بِالنَّارِ» هر دو درین باب احداث اند. نظر من در مورد جمع دلایل و رفع تعارض چنین است که هرگاه رفع تعارض بین حدیث و آیت امکان باشد، حدیث اخذ می‌گردد و هرگاه رفع تعارض امکان پذیر نباشد؛ بنابر درایت حدیث رد و بر آیت عمل می‌شود؛ این گونه رفع تعارض مطابق به قواعد مشهور اصول می‌باشد. پس الله عالم‌تر و حکیم است.

برادرتان عطاء بن خلیل ابوالرشته

۱۸ رمضان ۱۴۳۹ هـ.ق

۳ جون 2018 م